



۲۰۱۸/۰۷/۰۵

عارف عباسی

یادی از یک فرزند صدیق، خردمند و مدبر وطن

با آرزوی های سترگ ملی گرایانه اش،

شهید محمد موسی شفیق

آخرین صدراعظم دموکراسی جوان افغانستان!



چندی قبل دوستی در فیس بوک با نشر فوتوی شهید محمد موسی شفیق در مورد جناب شان نظر خواستند. معمولاً تبصره ها در چنین موارد مختصر و یکی دوسطری بیش نیست، ولی من گفتمی هایم را در آن محدوده گنجانیده نتوانسته ناگزیر بحث را به صفحه خود منتقل ساختم.



آری! از شخصیتی یاد آوری گردید که شرح حال روزگارش، فهم و دانش اش بحیث یک عالم دینی و سیاست مدار، دیدگاه همه جانبه، عمیق و نافذش، نبوغ و استعداد زائد الوصفش در نویسندگی و سخنوری، و این که او کی بود، و برای بهبود حال وطن و آوردن تغییرات بنیادی و اساسی چه آرزو هایی داشت ایجاب نوشتن کتاب را می نماید. تحریر یکی دو سطری برای راد مرد وطن پرست، آزادی خواه واقع بینی چون شهید محمد موسی شفیق، از طرف من، نا سپاسی و بی حرمتی است. و این نوشته در بر گیرنده شرح مکمل سوانح شهید محمد موسی شفیق نیست.

مرا با شهید محمد موسی شفیق نه قرابت خانوادگی بود و نه رفاقت شخصی حتی در دوران تحصیل افتخار شاگردی شان را هم نداشتم، و در زمان صدارت شان در کدام موقف بلند دولتی قرار نداشتم، ولی مختصری که در این جا می نویسم به حیث یک فرد اصلاح طلب و بهی خواه افغانستان، نه انقلابی و انقلاب پرست، بدون هیچ نوع وابستگی به حزبی و یا جریانی بر بنیاد آگهی مؤتمن از برنامه های وسیع البنیاد، مؤثر و مؤجز توأم با اندیش مندی، خرد و فراست و احساس کوه پیکر وطن دوستی این صدراعظم جوان است که به حکم دین ملی و اخلاقی به خاطر افغانستان عزیز برای معلومات شما می نگارم.

من که افتخار همکاری و شمول در فعالیت های انکشافی را با وزیر محترم، وطن پرست و خدمتگار با اهلیت و کفایت عالی مسلکی، فهیم و دانشمند، معتقد به علم با عمل و غنای تجارب موفقانه، مرحوم داکتر صاحب عبدالوکیل را داشتم، برای اولین بار دانستم که موسی شفیق برای آینده افغانستان با خرد و تدبیر راه معقول و عملی انتخاب کرده و حکومتش یک نصب العین ملی را با در نظر داشت واقعیتهای جنیپولتکس منطقه و بهره برداری اعظمی از منابع ملی، فرصت ها و امکانات میسر تعقیب و عملی می نماید و افغانستان در زعامت وی راه خود یافته و در یک مسیر هدف مند روان است.

این که محمد موسی شفیق کی بود و پسر از کدام شخصیت و چگونه از طالب علمی دینی استعداد و نبوغ خد داد وی درب آموزش را بر رویش بکشد و از او یک عالم امور سیاسی و حقوق مدنی و دانشمند فقه و شریعت اسلام گردانید، و بر عکس محمد قطب یک لنگه راه نرفت و دانش وسیع او در علوم دینی و حقوق مدنی از وی خردمندی ساخت که نیازمندی های وطنش را عاقلانه و واقع بینانه درک نموده در هر مرحله مأموریت از خود ابتکار و درایت نشان داده نردبان پیشرفت و ارتقاء را به سرعت پیمود، شرح سوانح شان از حوصله این بحث مختصر خارج است، و ایجاب طول و تفصیل زیاد را می نماید.

وقتی وزیر خارجه شد مشاهده نمود که در اطرافش کسانی قرار دارند که تقرر شان بخاطر روابط خانوادگی و یا وابستگی با اشخاص صاحب نفوذ بوده از اهلیت و کفایت خبری نیست، در نخستین مرحله از تمام مأمورین امتحان سویه گرفته و در نتیجه یک تعداد را از وزارت خارجه رخصت و برای دیگران کورس های آموزشی تأسیس و مبادی و اساسات روابط دیپلماتیک و ایجابات دیپلمات شدن را تدریس نمود و برای تقرر در پست های دیپلماتیک معیار وضع نمود.

استعداد، فهم، درایت و هوشیاری موسی شفیق توجه اعلیحضرت مرحوم محمد ظاهر شاه را به خود جلب نموده در یک موقعیت بحرانی که برای پادشاه چاره جز اعلان حکومت نظامی نمانده بود، که قادر به آن بود، و اما اعتقاد متین که به دموکراسی داشتند برای بقای آن و ابفای تعهد خود به مردم افغانستان با انتخاب موسی شفیق به حیث صدراعظم فرصت دیگری به این نظام مردم سالار دادند با اعتماد کامل بر شخصیت، علمیت و افکار عالی ملی گرایانه شفیق خود حاضر شدند که صلاحیت های خود را مطابق مندرجات قانون اساسی عیار ساخته و از مداخلات اعضای خانواده در امور حکومت جلوگیری نموده و سلطنت را به نحو قانونی از حکومت جدا سازند. محمد موسی شفیق در مرحله موظف تشکیل کابینه شد که دموکراسی نوپای افغانستان و مرجع امید های مردم دستخوش هوس های قدرت طلبی اعضای منتفذ خاندان شاهی گردید که با تبانی حزب چپ گرای تحت حمایت شوروی تخریبات منسجم و تنظیم شده را علیه نظام به راه انداخت (برای ثبوت این ادعا اسنادی دارم) و علاوه گروه های راست دین گرای افراطی با پیوند های علنی با سازمان های افراطیت دینی بیرونی علیه نظام سر ستیز گرفتند و زمینه انقراض و اضمحلال دموکراسی را بر بنیاد اهداف معین شخصی و طرح های دیرینه اجنبیان فراهم آوردند.

حکومت موسی شفیق در برابر دو مشکل عمده و اساسی قرار داشت، یکی قانون شکنی، تخریبات و آشوب گری های داخلی و دیگری وابستگی تحمیلی روز افزون افغانستان از لحاظ نظامی و اقتصادی با سیستم انحصاری شوروی زمان.

بحرانات داخلی بیشتر مولود ضعف اداره حکومت قبلی و نبود معرفت مردم به اصول دموکراسی و سوء تعبیر و سوء استفاده حلقات وابسته از آزادی ها بود که لاقیدی و بی بند وباری را آزادی می پنداشتند. مخصوصاً در حکومت قبل از موسی شفیق شیرازه نظم و اداره و حیثیت حکومت از هم پاشیده حکومت مجری خواسته های نامشروع وکلای شورا شده و صدارت اعظمی به یک سرای تجارتی تبدیل شده بود.

موسی شفیق با انضباط خاص جلو این خود سری ها را گرفت و اصلاحات را از خانه خود شروع کرد و حتی به اعضای کابینه اش در مورد شرکت در مجلس وزراء دساتیری صادر نمود. برای تماس وکلا با اعضای حکومت مقررات وضع نمود

با آشوب گری های چپ و راست بطور جدی و قاطع برخورد قانونی نموده و درب مذاکرات را با ایشان باز نهاد. مبارزات عاقلانه اطلاعاتی حیثیت حکومت را اعاده نمود.

کشیدگی ها، منازعات و اختلافات دیرینه سیاسی را با دو همسایه که به سود افغانستان نبوده و انگیزه گیر آمدن افغانستان به تله پوشانده زیر خاک شوروی گردید با خردمندی و تدبیر سیاسی عالی جنابانه با حفظ حیثیت، وقار و منافع افغانستان حل نموده مناسبات حسنه با هردو کشور برقرار گردیده و یک منبع سرشار سرمایه گزاری برای انکشاف افغانستان میسر شد.

موسی شفیق با درک اهمیت و قدرت همسایه شمالی هرگز در فکر تقابل رویا رویی با شوروی نبوده با حفظ روابط حسنه و تأکید بر تعهدات زمام داران شوروی طی اعلامیه های مشترک شان در طول سال ها که عبارت از حسن هم جواری، زیست باهمی، به رسمیت شناختن استقلال، تمامیت ارضی و احترام به نظام های متفاوت هم دگر و عدم مداخله در امور داخلی یک دیگر بود. موسی شفیق در پهنای این تعهدات خواهان بازنگری در مناسبات تجاری و امور نظامی با شوروی بود که همکاری ها بایستی بر اساس توافق جانبین عادلانه صورت گرفته جانب افغانی به حیث یک طرف قرار داد حق ابراز نظر قبول و یا رد را داشته باشد.

موسی شفیق با مطالعات عمیق هر پروژه انکشافی به کمک شوروی دریافته بود که قرار داد های منعقد اکثر شکل تحمیلی داشته و جانب افغانی بلا درنگ در پایان آن امضاء نموده مثلاً در قرارداد یک پروژه استخدام ۵۰ نفر تراکتور ران شوروی و یا میخانیک های امور تخنیک ساده شوروی تذکر رفته در حالی که در افغانستان هم تراکتور ران موجود بود و هم میخانیک های فارغ مکتب میخانیکی و یا تخنیک ثانوی، ویا سامان آلات بالاتر از ضرورت پروژه ها در قرار داد ها گنجانیده شده که اکثر ارسال نشده، که البته در این مورد غفلت جانب افغانی بنابر دلائل فساد پیشگی بوده ویا این ارتباطات شکل عنعنوی گرفته کسی را جرأت مخالفت به آن نبوده.

در فراهم آوری زمینه تحصیلات در امور نظامی و ملکی از سخاوت بیش از حد استفاده شده برای جوانان افغان پرورده فرهنگ سخت گیر و ضیق درب انواع آزادی ها گشوده شده و استخبارات شوروی خوب می دانست که شاگردان افغان علاوه از انواع عیاشی ها و وفرت مشروبات الکلهی (استثنائی وجود داشت) در رفت و آمد تعطیلات از قاچاق بری هم منفعت بر میدارند که اصلاً در این مروادات فرهنگی و ثقافتی کیفیت فدای گمیت شده برای اعضای

حزب کمونست افغان امکانات معرفت بیشتر به ساختار حزبی شوروی و برای شاگردان ولایات، قراء و قصبات افغانستان فریب خورده ظواهر یک ذهنیت خوش بینانه بدون درک واقعیت های عینی شوروی پیدا شد.

قصی الہذا وزیر دفاع افغانستان هر سال سفری به شوروی با سوغات و تحایف نموده در آن جا شاهانه پذیرایی شده و در اخیر فهرست ضروریات قوای زمینی و هوایی افغانستان که توسط مقامات شوروی در ماسکو ویا مشاورین شوروی در کابل ترتیب شده بود بالای میز مقابل وزیر دفاع می گذاشتند که بدون چون وچرا امضاء می شد(درمورد این سفر ها به اسراری پی بردم که نظر به بعضی ملاحظات از ذکر آن خوداری می نمایم).

در قرار داد های نظامی، شوروی وسائل مستعمل و فرسوده خود را رنگ آمیزی نموده به قیمت گاه ماش بالای افغانستان سودا نمود ولی در این قرار داد ها پرزه جات فالتو و سامان مورد نیاز ترمیمات گنجانیده نشده که طی قرار داد جداگانه به قیمت بلند تر به فروش می رسید. مثلاً قیمت تایر های یک عراده ۱۸ تایره بلند تر از قیمت اصلی موتر بود.

صدراعظم از وزیر دفاع خواهان یک راپور مسلکی گردید که نیازمندی افغانستان را از لحاظ محاربه تعرضی و یا دفاعی ارزیابی نموده این قرارداد های سالانه را توجیه نماید. وزیر دفاع به عبدالولی شکایت نمود و عبدالولی موضوع را با شاه در میان گذاشت، اعلیحضرت به عبدالولی توصیه همکاری با موسی شفیق را نمود.

موسی شفیق پیشنهاد منظوری بودجه وزارت دفاع را توسط مقام صدارت نموده و وزیر دفاع مکلف به راپور دادن اجراءت وزارت دفاع به مقام صدارت دانست.

البته تغییر این شرائط و احوال کار ساده نبود. موسی شفیق می خواست بسی مسائل روابط افغانستان و شوروی را در فضای نهایت دوستانه و مسالمت آمیز با زعمای شوروی بدون ایجاد تخریش مطرح نماید و پیشنهادات خود را با ایشان بحث کند، از جمله مسائل جدی روشن شدن موقف شوروی در برابر دوام روابط دوستی عنعنوی با دولت افغانستان و یا حمایت از حزب چپ گرای افغانستان بود. که اگر شوروی از دولت افغانستان حمایت می کند افغانستان مطابق قوانین خود حق دارد جلو هر نوع تخریب و آشوب گری را بگیرد و شوروی نباید علنی و یا مخفی مداخله نماید.

مترادف به این اقدامات دیپلماتیک محمد موسی شفیق با مشوره هر وزیر و اهل خبره هر رشته پالیسی معین و مشخص انکشافی هر ساحة اقتصادی و اجتماعی را در پهنای تصنیف رجحانات نیاز مندی های کشور طرح نمود تا با آوردن انکشاف سریع افغانستان به سوی متکی شدن به خود مسیر یافته در کمیت و کیفیت تولیدات افغانستان مطابق معیار های بازار های سرمایه اصلاحات ایجاد گردیده و افغانستان از انحصار تجارت بارتر با شوروی رهایی یافته وامتنعه افغانی محدود به بازار های عنعنوی هند و پاکستان نمانده بازار های عرضه در ممالک خلیج دستیاب شده امکانات ذخیره تولیدات که زود فاسد می شد در سرد خانه های عصری فراهم گردید.

تنها توضیح جزئیات انکشاف ساحة زراعت خود بحث مفصل بوده و چندین ورق کار دارد.

یک تحول و جنبش قابل ملاحظه در جمیع ساحات اقتصادی و اجتماعی رو نما گردید و فعالیت هایی که قبل از این حکومت آغاز گردیده بود از حالت رکود و عطالت برآمده تسریع یافت. آینده بس امیدوار کننده و درخشان به نظر می آمد

این دور کوتاه دو پدیده مهم و با ارزش در داخل و خارج مملکت داشت در داخل گرایش به غرور ملی و اتکاء به نیروی عقلانی و بازوان توانای خود افغان بود که اهل خبره و تخصص افغان در تمام مراحل پلان گزاری، پروژه سازی و کار های ساحوی انکشافی سهم فعال گرفته متخصص خارجی را مولا و پیشوای خود ندانسته خود را صاحب خانه پنداشته و آن ها را همکار و دستیار می دانستند و آمرین افغان پروژه ها صلاحیت اتخاذ تصمیم را داشتند.

تولید غله جات در فی واحد زمین دو چند و سه چند بالا رفت. انگور افغانستان با نوعیت و کیفیت خاص خود از امراض و آفات وقایه شده یک خوشه انگور بالاتر از ۵ کیلوگرا وزن داشت. اجناس بهتر و پر حاصل سیب ترویج یافت و به خارج صادر می شد. کشت گل کرم (گلپی) و مارچوبه در ولایت میدان و وردک ترویج. تخم بهترین اجناس پخته توریج و اصلاحات لازم در طریق کشت آن صورت گرفت و پخته افغانستان قابلیت عرضه را در بازار های اروپایی پیدا نمود. استعمال کود کیمیاوی و تخمیان جات اجناس بهتر حبوبات و ادویه ضد امراض و آفات زراعتی بالا گرفته و توسط شرکت های خصوصی مختلط به زارعین عرضه می شد. بانک زراعتی برای خرید تخم های اصلاح شده و ماشین آلات زراعتی به دهاقین قرضه می داد و شرکت مالدار ی هرات برای ترویج اجناس بهتر مواشی برای تولید گوشت، پوست و پشم قرضه اعطا نموده و امکانات فروش گوسفند و گوشت را به ایران مساعد گردانیده بود. تحت برنامه های عملی ترویج و قطعات نمایشی در زمین خود زارع موضوعات آماده ساختن زمین برای تولید بهتر، آبیاری منظم، برچیدن گیاه های هرزه از مزرعه با استفاده از تخم اصلاح شده و کود کیمیاوی به دهقانان تدریس میشد.

پروژه هایی که شامل پلان پنج ساله بود در نحوه تطبیق آن تجدید نظر شمره در اکمال هر کدام سرعت عمل بکار رفت. اتصال برق حلقوی افغانستان با اتصال برق آبی و حرارتی رسانیدن برق به شهر های عمده ولایات در حال تکمیل بود.

ساحه تولید انرجی آبی و پروژه های بزرگ آبیاری مورد توجه جدی قرار گرفته و سروی و مطالعات صدها پروژه بزرگ تولید برق و آبیاری توسط متخصصین خارجی و انجنیران افغانی به کمک و مساعدت مالی و تخنیکی ملل متحد، بانک جهانی، بانک آسیایی و ممالک دوست تکمیل گردیده کار ساختمانی بعضی آغاز گردیده بود. تنظیم آبیاری و صرفه جویی در مصرف آب و اصلاح شبکه های کوچک آبیاری برای اولین بار مورد توجه قرار گرفت.

بازنگری و تعدیل قرار داد نفت و گاز شمال با ازدیاد قیمت و نظارت جانب صادر کننده بر مقدار صدور در نظر بود. امکانات سرمایه گزاری در منابع طبیعی و استخراج معادن مورد مطالعه بوده و تماس های مستقیم با کشور ها و شرکت های ذیعلاقه بر قرار شده بود

توسعه صنایع نساجی و ایجاد صنایع چرمگری، پلاستیک، کود کیمیاوی، افزایش تولیدات شکر و سمنت توسط تشبثات خصوصی انکشاف قابل ملاحظه نمود.

تحولات و انکشافات در ساحة معارف، صحت عامه و خدمات اجتماعي، ترانسپورت و مواصلات و مخابرات رو نما گردید.

هدف اساسي انکشاف سريع و همه جانبه افغانستان و قرار دادن آن در سطح بالاتر معيار هاي اقتصادي بين المللي و کسب اعتبار بيشتري براي افغانستان در بخش سرمايه گزاري هاي خارجي بود

در بعد خارجي، دو همسايه افغانستان با مناسبات بهتر و نزديک تر به ممالک غربي و شمول شان در پيمان هاي نظامي و دنياي اسلام چنان پنداري آفريده بودند که افغانستان پيرو خطوات ماسکو بوده و در دائره نفوذ شوروي قرار دارد و در ساحة موضوعات بين المللي از سياست هاي شوروي حمايت مي نمايد. (که تا حدي واقعييت داشت).

محمد موسي شفيق با درايت خاص سياسي موقف افغانستان را به حيثيت يک دولت اسلامي، مستقل غير منسلک با نيازمندی هاي بزرگ انکشافی روشن ساخته ذهنييت سازي هاي منفي را منفي گردانيد و ذهنييت ها تغيير نمود و براي بار اول ممالک خليج کارگران افغاني را پذيرفته و آمادگي خود را براي سهم گيري در انکشاف افغانستان و گسترش روابط تجارتي ابراز نمودند. موسي شفيق کمک هاي بيشتري ممالک غربي را براي فراهم آوري زمينه تحصيلات جوانان افغان جلب نمود که باعث ايجاد توازن گردد.

متأسفانه اين جنبش هاي ملي و فعاليت هاي همه جانبه انکشافی و ديپلماتيک حکومت موسي شفيق شوروي را سخت نگران و هراسان ساخت و در قبال اين تحولات و تغييرات نه تنها تضعيف نفوذ همه جانبه خود را در افغانستان تصور مي کرد بلکه ناکامي سرمايه گزاري خود را با توسعه فعاليت هاي دول غربي در جنوب قلمروش و روابط حسنه افغانستان با ايران و پاکستان تخمين مي نمود و حتى خوف احياي نهضت اسلامي در جوار جمهوريت هاي مسلمانان قابل پيش بيني بود.

شوروي براي دفع اين خطرو تحقق بخشيدن آرمان هاي ستراتيجيک ديرينه خود را سرعت بخشيد و اقدامات عجولانه رويدست گرفته نه تنها حکومت موسي شفيق را سقوط داد بلکه توسط آن سقف بکشود و نظام سلطنتي افغانستان را منهدم کرد.

لذا دموکراسي جوان افغانستان، آرزوي هاي ترقي، تعالي، استقلال اقتصادي، سربلندي متکي به خود بودن محمد موسي شفيق و اميد هاي مليون ها افغان منور، دموکرات و ترقي خواه و اصلاح طلب افغانستان توسط کودتاي ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ فدای توطئه ها دسايس و طرح هاي ديريته و آرمان هاي راه يافتن به آب هاي گرم و منابع انرجي شرق ميانه روس زار و شوروي مارکسيزم و لينينيزم گرديده، و فرزند صديق و وطن پرست افغان محبوب القلوب هزاران، محمد داوود خان بنابر يک پهلو ضعیف خود خواهی و قدرت طلبی و عقده مندی نا آگاهانه در دام تزوير چپ گرايانی که خودش پرورده و حمايه کرده بود گير آمده، با خوشنودی دست يافتن کوتاه مدت به قدرت و درک نکردن عواقب خطير توأميت اش با پرچم و خلق و مبارزات سست بنياد توسط اشخاص ضعيف النفس در دم هاي واپسين با کمونست ها، خود، و خانواده معصوم خود را فدا وزمينه بربادی و تباهی وطن را فراهم ساخت.

به هر حال تاريخ سياسي جهان اگر مگر بسياري دارد، اگر دوران صدارت محمد موسي شفيق براي ده سال ديگر دوام مي کرد با تطبيق پلان هاي مثمر کوتاه مدت و دراز مدت و قانون مندی نظام دموکراسي و آزادی هاي مندی،

با بهره برداری از منابع سرشار طبیعی مملکت به سرعت به سوی ترقی، رفاه و آسایش رفته و در زمره کشورهای غنی منطقه محسوب می شد. و نظام سلطنتی بصورت مسالمت آمیز و عملی به نظام جمهوری و انتخابی تبدیل می شد. و اعلیحضرت ظاهر شاه خود را آخرین پادشاه دانسته و این انتقال را رسالت خود می دانست.

حتی محمد داوود خان در اواخر از شفیق دعوت به همکاری نمود.

ولی حزب دشمن خلق افغانسان با اراده وطن فروشی و دستور کی جی بی محمد موسی شفیق و دیگر فرزندان وطن پرست افغان را توسط محکمه صحرایی ذر پرتو روشنایی موتر های زره پوش در دل شب به شهادت رساندند.

به روح شهید محمد موسی شفیق و تمام فرزندان صدیق خدمتگار وطن اتحاف دعا نموده سعادت اخروی برای شان استدعا دارم.

من یک برنامه فوق العاده تلویزیونی برای بزرگداشت خدمات شهید موسی شفیق داشتم اگر موفق به پیدا کردن ویدیوی آن شدم آن را در این صفحه به نشر می سپارم.

